

مهدی بلوکی به سر آمد خبر داد:

اعلام گزارش مشاهده سفید شدگی مرجان های خلیج فارس



رئیس گروه اکولوژی دریا معاونت محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست، بر اساس پایش های محدود صورت گرفته در آبهای ساحلی برخی از جزایر خلیج فارس، مشاهده سفیدشدگی در برخی مرجان ها به سازمان حفاظت محیط زیست گزارش شده است.

مهدی بلوکی در گفت و گو با خبرنگار اقتصاد سرآمد با اشاره به اینکه بر اساس پایش های محدود صورت گرفته در آبهای ساحلی برخی از جزایر خلیج فارس، مشاهده سفیدشدگی در برخی مرجان ها به سازمان حفاظت محیط زیست گزارش شده است.

رئیس گروه اکولوژی دریا معاونت محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست، به دلیل محدودیت های موجود در منطقه خلیج فارس، امسال کارشناسان سازمان حفاظت محیط زیست هنوز موفق نشدند به صورت تخصصی نسبت به پایش مرجان ها اقدام کنند.

وی در ادامه خاطر نشان ساخت: اما کارشناسان محیط زیست دریایی در استان های جنوبی و جزایر قشم و کیش به صورت محدود نسبت به انجام پایش های مرجان های منطقه اقدام کرده اند.

این مقام مسئول در سازمان حفاظت محیط زیست، بیان داشت: بر اساس پایش های مذکور، گزارش هایی مبنی بر سفید شدگی مرجان های خلیج فارس به ویژه در محدوده آبهای جزایر کیش و هنگام منتشر شده است.

وی با اشاره به اینکه دلیل اصلی سفید شدگی مرجان های خلیج فارس به گرم شدن آب مربوط می شود، گفت: با توجه به تجربیان سالهای گذشته، انتظار می رود با شروع مشاهده سفیدشدگی ها، سال آیند شاهد وضعیت بدتری برای مرجان های خلیج فارس باشیم. بلوکی در ادامه با اشاره به حفاظت و احیا و پایش های گسترده به صورت سالانه از وضعیت مرجان های خلیج فارس توسط سازمان حفاظت محیط زیست، بیان داشت: این اقدامات نقش قابل توجهی در حفاظت از این اکوسیستم مهم دریایی کشورمان داشته است.

به گفته این مقام مسئول در سازمان حفاظت محیط زیست، پایش های انجام شده در سال گذشته نشان می دهد وضعیت آبسنگ های مرجانی در خلیج چابهار و نیز خلیج فارس از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار بودند و بسیاری از آبسنگ هایی که در گذشته دچار سفیدشدگی شده بودند، دوباره احیا شده بودند اما امسال وضعیت متفاوت است.

رئیس گروه اکولوژی دریا معاونت محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست بر ضرورت آگاهی و اطلاع رسانی به جوامع محلی مبنی بر حفاظت از آبسنگ های مرجانی نیز تاکید کرد و گفت: آگاهی عمومی در زمینه اهمیت حفاظت از زیستگاه های دریایی باعث می شودد که حساسیت مردم به ویژه ساحل نشینان خلیج فارس در این خصوص افزایش یابد و در نهایت منجر به حفاظت بهتر از محیط زیست دریا شود.



بر اصولی چون عدالت توزیعی و لحاظ کردن اوضاع و احوال خاص جغرافیایی استوار است، نه بر تثبیت یک وضعیت استعماری پیشین.

پیام کنوانسیون‌ها چیست؟

کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر که در سال ۲۰۱۸ در شهر آکتائو قزاقستان به امضارسید، حاصل بیش از دو دهه مذاکره‌ی فشرده و پیچیده میان پنج کشور ساحلی است. این سند که به عنوان یک پیمان چارچوبی شناخته می شود، توانست بخش عمده‌ای از قواعد حاکم بر کشتیرانی، امنیت، محیط زیست و مناطق ماهیگیری را تدوین کند. با این حال، نکته‌ی کلیدی که غالباً در تحلیل های عمومی نادیده گرفته می شود، آن است که کنوانسیون آکتائو به هیچ وجه سند تقسیم بستر و زیربستر دریا نیست و سهمی برای هیچ یک از کشور ها، از جمله ایران، تعیین نکرده است. بر اساس ماده‌ی ۸ این کنوانسیون، تعیین حدودبستر و زیربستر به توافقات بعدی میان کشورهای ذی ربط واگذار شده است. این تفکیک هوشمندانه، اگر چه امکان امضای سند را فراهم کرد، اما

بدین معناست که سرنوشت نهایی میادین نفت و گاز خزر همچنان در هاله‌ای از ابهام و نیازمند مذاکرات دوجانبه و چندجانبه‌ی مستقل است. از دیدگاه حقوقی، کنوانسیون آکتائو برای هر کشور ساحلی آب های سرزمینی تا ۱۵ مایل دریایی و پس از آن یک منطقه‌ی انحصاری ماهیگیری، ۱۰ مایلی پیش‌بینی کرده است. این بدان معناست که ایران در محدوده‌ی آب های سرزمینی خود حاکمیت مطلق دارد، اما در پهنه های فراتر از آن، اصل بر آزادی کشتیرانی و بهره برداری مشترک است، مگر آنکه در موردبستر، ترتیبات دیگری اتخاذشود. حال پرسش اساسی اینجااست که آیا اکتفا به این چارچوب و عدم ورود جدی به مذاکرات تحدید حدودبستر، می تواند منافع ملی ایران را در بلندمدت تضمین کند؟ پاسخ به این پرسش تا توجه به تحرکات رقبا در میادین مورد مناقشه، منفی است. تجربه‌ی سال دو هزار و یک که در آن یک

شرکت خارجی با حمایت جمهوری آذربایجان اقدام به اکتشاف در محدوده‌ی مورد ادعای ایران کرد و با واکنش قهر آمیز نیروهای مسلح مواجه شد، نشان می دهد که در غیاب توافقات حقوقی روشن، هر گونه فعالیت اقتصادی می تواند به سرعت به یک بحران امنیتی تبدیل شود. تداوم وضعیت کنونی، که می توان آن را تعلیق راهبردی نامید، برای ایران مخاطرات متعددی به همراه دارد. نخستین خطر، فرسایش تدریجی موضع ایران در افکار عمومی بین المللی است. در حالی که چهار کشور دیگر ساحلی، به تدریج و از طریق توافقات دوجانبه، خطوط مرزی خود را در بخش های عمده‌ای از خزر تثبیت کرده اند، تداوم بی عملی ایران می تواند این تصور را ایجاد کند که ایران توانایی یا اراده‌ی لازم برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات را ندارد. دومین خطر، مربوط به بهره برداری یکجانبه‌ی طرف های مقابل از میادین مشترک است. در غیاب مرزبندی های دقیق، کشورهای همسایه ممکن است با استناد به فرائت های خاص خود از خط میانه یا خط منصف، اقدام به استخراج از ساختارهای زمین شناسی مشترک کنند؛ ساختارهایی که بخشی از آن ها در محدوده‌ی مورد ادعای ایران قرار دارد. این وضعیت، پدیده‌ای است که در ادبیات حقوق انرژی از آن به عنوان تخلیه‌ی مخزن مشترک یاد می شود و می تواند به کاهش فشار مخزن و در نتیجه، کاهش قدرت تولید در سمت ایرانی منجر شود. شاید مهم ترین خطر، تبدیل شدن ایران به یک تماشاگر منفعل در معادلات انرژی منطقه است. با توجه به اینکه بازارهای جهانی انرژی به شدت رقابتی هستند و کشورهای حاشیه‌ی خزر به دنبال تنوع بخشی به مسیرهای صادراتی خود هستند، عدم حضور فعال ایران در پروژه های استخراج و انتقال، می تواند موقعیت این کشور را به عنوان یک قدرت انرژی منطقه‌ای تضعیف کند. بنابراین، رویکرد مبتنی بر ادعای صرف و انتظار برای تحقق حقوق حداکثری، در عمل به تعویق افتادن توسعه‌ی میادین نفتی و گازی مشترک می انجامد و فرصت های تاریخی را به رقبا واگذار می کند. در چنین بستری، لازم است میان دو مفهوم بنیادین تمایز قائل شد: مالکیت حقوقی و حاکمیت عملی. مالکیت حقوقی،



فریابازی - اقتصاد سرآمد

«سرآمد» بررسی کرد؛

بازتعریف راهبرد ایران در میادین نفت و گاز دریای خزر

الزامات برون رفت از تعلیق و تثبیت حقوق ایران در میادین انرژی در یای کاسپین

فناوری های پیشرفته‌ی استخراج فراساحلی دسترسی داشته باشد. این محدودیت، ضرورت توسعه‌ی توان داخلی را دوچندان می کند. ایران باید سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه‌ی فناوری های حفاری و استخراج در آب های عمیق را در اولویت قرار دهد. علاوه بر این، ایران می تواند از ظرفیت های داخلی، به ویژه شرکت های دانش پیمان و دانشگاه ها، برای توسعه‌ی فناوری های مورد نیاز استفاده کند. در زمینه مالی نیز، ایران باید به دنبال ایجاد سازوکارهای جدید برای جذب سرمایه گذاری خارجی باشد. یکی از این سازوکارها، استفاده از مدل های مشارکت عمومی خصوصی است که در آن، دولت با بخش خصوصی داخلی و خارجی برای توسعه‌ی میادین نفتی و گازی همکاری می کند. این مدل، ضمن کاهش بار مالی دولت، امکان انتقال

فناوری و مدیریت بین المللی را نیز فراهم می کند. اصل چهارم، بهره گیری از دیپلماسی اقتصادی است. ایران باید از ظرفیت های دیپلماسی اقتصادی برای تقویت موقعیت خود در معادلات انرژی نیز، استفاده کند. این بدان معناست که ایران باید ضمن حفظ اصول سیاسی خود، بر همکاری های اقتصادی و فنی با کشورهای همسایه متمرکز شسود. یکی از حوزه های مهم همکاری، مدیریت محیط زیست خزر است. این دریا، به دلیل بسته بودن و عدم ارتباط با اقیانوس های آزاد، از آسیب پذیری بالایی در برابر آلودگی برخوردار است. همکاری در زمینه‌ی حفاظت از محیط زیست، می تواند به عنوان یک حوزه‌ی اعتمادساز عمل کند و زمینه را برای همکاری های گسترده تر در زمینه‌ی انرژی فراهم آورد. حوزه‌ی دیگر، همکاری در زمینه‌ی حمل و نقل و ترانزیت است. کربودر شمال جنوب، به ایران را از طریق روسیه به هند و جنوب شرق آسیا متصل می کند، می تواند به عنوان یک پروژه مشترک میان کشورهای خزر تعریف شود. این پروژه، ضمن تقویت همکاری های منطقه ای، می تواند به عنوان یک ابزار برای تقویت موقعیت ایران در معادلات انرژی منطقه استفاده شود.

نتیجه گیری

در کنار این اصول، ایران باید به چند نکته‌ی راهبردی دیگر نیز توجه کند. نخست، ضرورت انسجام در سیاست گذاری داخلی است. ایران باید یک نهاد واحد و مقتدر را برای سیاست گذاری در زمینه‌ی خزر تعیین کند تا از تشتت آرا و تصمیم گیری های متناقض جلوگیری شود. این نهاد باید متشکل از نمایندگان وزارت خارجه، وزارت نفت، سازمان محیط زیست و سایر نهادهای ذی ربط باشد و بتواند به صورت هماهنگ با کشورهای همسایه مذاکره کند. دوم، ضرورت استفاده از ظرفیت های حقوقی بین المللی است. ایران باید با استفاده از مشاوران حقوقی بین المللی، موضع حقوقی خود را در مورد میادین نفتی و گازی خزر تقویت کند. این امر، به ویژه در مواردی که می تواند به کشورهایی که موضع حقوقی متفاوتی دارند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. سوم، ضرورت توجه به ابعاد امنیتی است. ایران باید ضمن تقویت توان دفاعی خود در خزر، به دنبال ایجاد سازوکارهای اعتمادساز با کشورهای همسایه باشد. این سازوکارها می تواند شامل تبادل اطلاعات، همکاری در زمینه‌ی مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر و برگراری مائورهای مشترک باشد.

در پایان، باید به این واقعیت اذعان کرد که حل و فصل کامل اختلافات در خزر، به ویژه در مورد میادین نفت و گاز، فرآیندی زمان بر و پیچیده است. این فرآیند، نیازمند صبر، تدبیر و اراده‌ی سیاسی در بالاترین سطوح است. ایران، به عنوان یکی از کشورهای ساحلی خزر، باید ضمن حفظ اصول حقوقی خود، به سمت اتخاذ راهبردی عملگراییانه و مبتنی بر همکاری گام بردارد. تنها در این صورت است که می توان ادعاهای حقوقی را به دستاوردهای عینی و پایدار برای ملت ایران تبدیل کرد و از بروز تنش های مخرب با همسایگان، که می تواند امنیت شمال کشور را تحت تأثیر قرار دهد، پیشگیری نمود. خزر، به عنوان یک میراث مشترک، می تواند به عنوان یک حوزه‌ی همکاری و تعامل میان کشورهای ساحلی عمل کند. به شرط آنکه همه‌ی طرف ها به این درک برسند که منافع بلندمدت آن ها در همکاری و نه در تقابل نهفته است.

آنچه در اسناد و معاهدات و ادعاهای رسمی متبلور می شود، بدون حاکمیت عملی، یعنی توانایی اعمال اراده در میدان، صرفاً یک حق انتزاعی است. آنچه منافع ملی را تضمین می کند، نه حق انتزاعی، بلکه ترکیبی است از به رسمیت شناخته شدن حقوقی و توانایی بالفعل برای بهره برداری. تاریخ روابط بین الملل سرشار از نمونه هایی است که در آن ها کشورها با اتکا به ادعاهای حقوقی خود، اما بدون توان عملیاتی، در نهایت شاهد تثبیت وضعیت موجود به زیان خود بوده اند. لذا، ضرورت دارد که ایران از دام ادعاهای مجوری رها شود و به سمت سازوکار محوری گام بردارد.

راهبرد عملگراییانه برای آینده

برون رفت از وضعیت تعلیق و حرکت به سوی تثبیت حقوق ایران در میادین نفت و گاز خزر، نیازمند یک راهبرد چندوجهی و عملگراییانه است. این راهبرد باید بر چند اصل بنیادین استوار باشد: تلفیق حقوق و عمل، اولویت بخشی به مذاکرات دوجانبه، استفاده از مدل های بین المللی بهره برداری مشترک، تقویت توان فنی و مالی داخلی و بهره گیری از دیپلماسی اقتصادی.

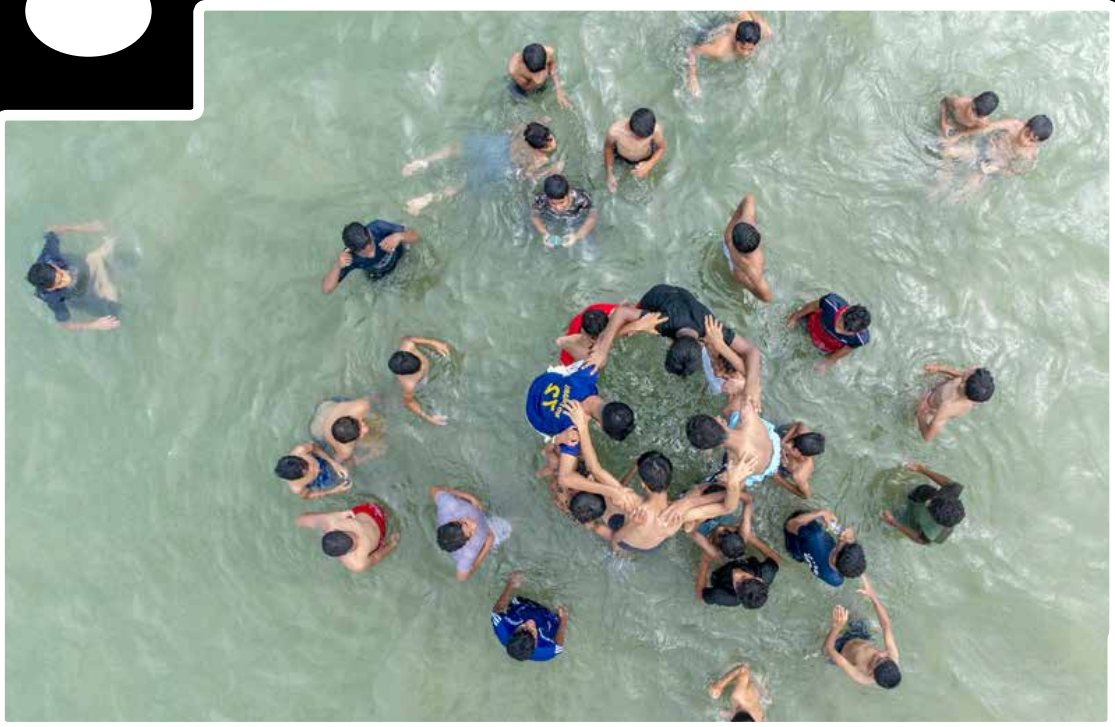
اصل نخست، تلفیق حقوق و عمل است. ایران باید ضمن حفظ اصول حقوقی مورد نظر خود، به ویژه اصل انصاف و سهم بیست درصدی، به سمت ایجاد سازوکارهای عملی برای مدیریت میادین مشترک گام بردارد. این بدان معناست که ایران نباید صرفاً بر ادعای حقوقی خود تأکید کند، بلکه باید توانایی خود را برای اعمال این حقوق در میدان نیز تقویت کند. یکی از راههای تحقق این هدف، استفاده از الگوهای موفق بین المللی در زمینه‌ی بهره برداری از میادین مشترک است. در حقوق بین الملل انرژی، روش هایی چون توافق واحدسازی یا تقسیم تولید وجود دارد که در آن، دو یا چند کشور بدون نیاز به توافق بر سر خط مرزی دقیق، منابع یک میدان مشترک را به صورت مشترک و بر

اساس فرمول های مورد توافق، مدیریت و بهره برداری می کنند. این رویکرد، که در مناطق مختلف جهان از جمله در دریای شمال و خلیج مکزیک به کار گرفته شده است، می تواند به عنوان یک مدل عملگراییانه برای ایران و همسایگانش در مورد خزر قرار گیرد. به عنوان مثال، در مورد میادین مشترک با جمهوری آذربایجان، ایران می تواند پیشنهاد تشکیل یک شرکت مشترک یا توافق بر سر تقسیم تولید را مطرح کند، بدون آنکه نیاز به تعیین دقیق خط مرزی باشد. این رویکرد، ضمن کاهش تنش ها، امکان بهره برداری سریع تر از منابع را فراهم می کند.

اصل دوم، اولویت بخشی به مذاکرات دوجانبه است. تجربه نشان داده است که مذاکرات چندجانبه در مورد خزر، به دلیل تعدد بازیگران و تعارض منافع، به کندی پیش می رود. در مقابل، مذاکرات دوجانبه می تواند به نتایج سریع تر و ملموس تری منجر شود. ایران باید با هر یک از کشورهای همسایه، بر اساس منافع مشترک و اختلافات موجود، بر موضوعاتی چون تقسیم تولید در میادین مشترک و همکاری در مذاکرات جداگانه‌ای را آغاز کند. در مورد جمهوری آذربایجان، که بیشترین اختلافات در زمینه‌ی میادین نفتی وجود دارد، ایران می تواند بر موضوعاتی چون تقسیم تولید در میادین مشترک و همکاری در زمینه انتقال انرژی متمرکز شود. در مورد ترکمنستان، که اختلافات ترانزیتی متمرکز شود. در مورد قزاقستان و روسیه، که اختلافات کمتری وجود دارد، ایران می تواند بر همکاری های سه جانبه در زمینه خط مرزی دریایی و خط تفکیک مناطق ماهیگیری صورت گرفت، در سال دو هزار و بیست و پنج در عشق آباد، که حول محور تعیین خط مرزی دریایی و خط تفکیک مناطق ماهیگیری صورت گرفت، نشان می دهد که در صورت وجود اراده‌ی سیاسی، امکان دستیابی به تقاهم های مر حلای وجود دارد. این مذاکرات، اگر چه ممکن است به نتیجه‌ای قطعی در کوتاه مدت منتهی نشود، اما می تواند به عنوان یک اقدام اعتمادساز، فضای همکاری را بهبود بخشد و زمینه را برای توافقات جامع تر فراهم کند. اصل سوم، تقویت توان فنی و مالی داخلی است. ایران، به دلیل تحریم های بین المللی، نمی تواند به راحتی به

ژئوپارک جهانی قشم – جزایر ناز در گذر زمان

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی